

این کتاب پیشکشی است به همه گویشوران زبانهای ایرانی که مقام زبان محلی خود، این میراث بزرگ انسانی، فرهنگی، فکری، و ایرانی را می‌شناسند و به دانستن آن زبان بر خود می‌بالند و برای ماندگاری آن می‌کوشند.

### پیشگفتار

خداوند را شکر گزارم که به من توفیق عنایت فرمود گامی در حد بضاعت فکری، جسمی، و علمی خود برای توصیف و تحلیل تعدادی از زبانهای ایرانی در چارچوب نظری مشخصی بردارم. اندیشه تألیف کتاب *رده‌شناسی زبانهای ایرانی* به طور جدی بیست‌سال پیش در ذهنم شکل گرفت. در آغاز کوشیدم منابعی را که از چند روز پس از فراغت از تحصیل در دوره دکتری گردآورده بودم بخوانم و به چارچوب رده‌شناختی مناسب برای مطالعه آن زبانها دست‌یابم. اولین اثری که در آن روزها در رده‌شناسی تهیه کرده بودم مجموعه چهارجلدی *همگانیهای زبان انسان* (۱۹۷۸) ویراسته گرینبرگ و همکاران بود. جوزف گرینبرگ (۱۹۱۵-۲۰۰۱) را که برجسته‌ترین رده‌شناس قرن بیستم بود در تابستان ۱۹۷۸ هنگامی که نیمسال اول دوره دکتری زبان‌شناسی را سپری کرده بودم در مدرسه تابستانی زبان‌شناسی ملاقات کردم. در همان مدرسه با برنارد کامری نیز که اکنون برجسته‌ترین رده‌شناس جهان است آشنا شدم. اولین مقاله‌ای که در چارچوب رده‌شناسی انتشار دادم در سال ۱۹۹۷ بود. سه مقاله دیگر در همین حوزه مطالعاتی در سالهای ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، و ۲۰۱۲ منتشر کردم. همه این مقاله‌ها به زبان انگلیسی چاپ شده‌اند. تحریر اول این مقاله‌ها را در همایشهای بین‌المللی و داخلی زبان‌شناسی و غالباً به عنوان سخنران مدعو ارائه کرده‌ام. در سخنرانیهای خارج کشور از حضور برنارد کامری، ماریان میتون، مارتین هاسپلمت، دونالد استیلو، بو او تاس، کارینا جهانی، اگنس کورن، جفری هیگ، لودویک پاول،

جان هاكيتز، و متيو دراير بهره‌مند بوده‌ام. با اكثر رده‌شناسان و ايران‌شناساني كه نامشان ذكر شد، و هر کدام در زمينه تخصصي خود سرآمد است، گفت‌وگوهاي علمي متعدد داشته‌ام و از آثارشان بسيار آموخته‌ام. به ويژه دعوتهاي سال ۲۰۰۱، ۲۰۰۵، و ۲۰۰۷ برنارد كامري، مدير دانشمند گروه زبان‌شناسي مؤسسه پژوهشي مكس پلانك (در كشور آلمان، شهر لايبزيك) از اين نگارنده به عنوان استاد ميهمان براي ايراد سخنراني در جمع استادان و پژوهشگران آن گروه و استفاده از كتابخانه غني و تسهيلات كتابخانه‌اي آن مؤسسه بسيار سودمند بود.

دانشگاه علامه طباطبائي با اعطاي فرصت مطالعاتي ده‌ماهه در دانشگاه كاليفرنيا در سال تحصيلي ۱۳۷۱-۱۳۷۲ زمينه آغاز مطالعه جدي‌تر و آشنائي عميق‌تر با رده‌شناسي زبان را برايم فراهم نمود. در ادامه اين مسير علمي، دانشگاه علامه طباطبائي و شوراي عالي پژوهشهاي علمي كشور با حمايت خود از طرح پيشنهادي نگارنده با عنوان ”زبانها و گویشهای عمده کنونی ایران“ در سال ۱۳۷۶ باب ورود به مطالعه رده‌شناختي زبانها و گویشهای ايراني را گشودند. به عنوان معلم زبان‌شناسي اين بخت را داشته‌ام كه با گویشوران زبانها و گویشهای ايراني و غيرايراني رايج در جاي جاي ايران مواجه شوم و از دانش زباني آنان بهره‌مند گردم. وجود زبانهاي محلي گوناگون در ايران شامل زبانهايي كه در اين كتاب بررسي شده‌اند و زبانهاي محلي ديگري همچون تركي (اورالي - آلتائي)، عربي (سامي)، تركمني (اورالي - آلتائي)، قشقائي (اورالي - آلتائي)، ارمني (هندواروپائي)، آسوري يا آرامي نو (سامي)، روماني يا رومانو (هندوآريائي)، گرجي (قفقازي)، جدگالي (هندوآريائي)، براهوي (دراويدي)، و نيز آن دسته از زبانهاي محلي ايراني كه مجال توصيف و تحليل آنها در اين كتاب فراهم نشد، مانند سمناني، لري، گيلكي، مازندراني، تعداد قابل توجهي از زبانهاي محلي فلات مركزي ايران (شامل گزي، راجي، جوشقاني، ايبانه‌اي)، بهبھاني (استان خوزستان)، مينابي (استان هرمزگان)، كومزاري (گویش لاركي در تنگه هرمز) حقيقتاً سرمايه‌هاي ارزشمند فكري، فرهنگي، و تاريخي ايران هستند و ثبت و ضبط و حفظ همه آنها وظيفه‌اي است بر دوش پژوهشگران و

نهادهای علمی عرصه علوم انسانی.

در اینجا مایلیم به پرسشی که ممکن است در ذهن خوانندگان این کتاب مطرح شود اشاره کنم. مفاهیم 'زبان'، 'گویش'، 'لهجه'، و 'گونه' در کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی چگونه به کار رفته‌اند؟ در آغاز باید تصریح کنم که طبق اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۵۸) "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است." در ادامه از تعبیر "زبانهای محلی و قومی" استفاده شده است که به لحاظ ملاکهای زبان‌شناختی تعبیری موجه و علمی است. در مقاله‌ای با عنوان "زبان، گونه، گویش، و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی" (۱۳۸۷) از تشبث و گوناگونی فراوان در کاربرد این اصطلاحات در میان آثار نشریافته زبان‌شناسان ایرانی سخن گفته و تأکید کرده‌ام که این تشبث و گوناگونی موجب آشفتگی و سردرگمی بسیاری برای دانشجویان زبان‌شناسی و رشته‌های مرتبط و علاقه‌مندان به مطالعات زبانی شده است. در ادامه کوشیده‌ام با استناد به منابع معیار زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان در سطح جهانی، اصطلاحات مذکور را با ارائه مصادیق از ایران تعریف کنم. در آن مقاله به نقل از کتاب گویش‌شناسی چمبرز و ترادگیل (۱۹۸۰) آمده ما معتقدیم بهتر است گویشها (dialects) را گویشهای یک زبان بدانیم (ص ۳). گویشهای یک زبان به لحاظ دستوری و واژگانی و نیز واجی از یکدیگر متمایزند (ص ۵). طبق این تعریف انگلیسی بریتانیایی، انگلیسی امریکائی، انگلیسی استرالیائی، انگلیسی کانادائی، و انگلیسی افریقائی جنوبی گویشهای زبان انگلیسی‌اند. در همانجا گفته شده است که اما لهجه (accent) به شیوه تلفظ سخنگو اشاره دارد. بنابراین لهجه‌های یک زبان آنهایی هستند که به لحاظ آوایی و واجی از هم متمایزند. در آن مقاله، این نگارنده بر اساس تعدادی از منابع بین‌المللی و معیار، اجماع جامعه زبان‌شناسی امروز را درباره مفاهیم مورد بحث به شرح زیر خلاصه کرده است (ص ۱۲۰):

۱) گونه (variety): اصطلاحی است خنثی و پوششی که می‌توان آن را به مثابه اطلاقی کلی به کار برد. یعنی هرگاه نخواسته باشیم خود را مقید به یک اصطلاح خاص (از

مجموعه اصطلاحات مورد بحث کنونی ما) کنیم، اصطلاح 'گونه' راهگشاست.

۲) زبان (language): دو گونهٔ زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل ندارند.

۳) گویش (dialect): دو گونهٔ زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی، واجی، واژگانی، و دستوری وجود دارد.

۴) لهجه (accent): دو گونهٔ زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی دیده می‌شود.

بر پایهٔ این تعریف‌ها فارسی امروز، گیلکی، مازندرانی، کردی سورانی، کردی کرمانشاهی، اورامی، وفسی، لکی، لری، راجی، دلواری، لارستانی، شهمیرزادی، سمنانی، دوانی، بلوچی، نائینی، تالشی، و تاتی زبان‌اند. زبان فارسی زبان رسمی ایران است و دیگر زبانهای نام برده شده زبانهای محلی ایرانی‌اند. هر یک از زبانهای مذکور گویشهای خود را دارد. به عنوان نمونه، فارسی تهرانی، فارسی اصفهانی، فارسی بیرجندی، فارسی قائنی، فارسی کاشانی، تاجیکی، دری (یا فارسی افغانستان) گویشهای یک زبان‌اند: گویشهای زبان فارسی. به همین ترتیب گویشهای لاری، اَوَزی، خُنْجی، گِراشی، بَسْتکی، و بیخه‌ای برخی از گویشهای زبان لارستانی هستند. صاحب این قلم اصطلاح 'گروه گویشی' را برای اطلاق به مجموعهٔ گویشهایی که ذیل یک زبان جای می‌گیرند بسیار سودمند و راهگشا می‌داند. بر این اساس زبان لارستانی دربرگیرندهٔ گروهی گویشی است شامل گویشهای لاری، اَوَزی، خُنْجی، گِراشی، بَسْتکی، و بیخه‌ای. از طرفی دیگر، گویشوران فارسی و گویشوران لارستانی با یکدیگر فهم متقابل ندارند. نظام دستوری فارسی و نظام دستوری لارستانی تفاوت‌های بسیار بنیادی دارند به طوری که تفهیم و تفاهم متقابل را به کلی ناممکن می‌کند. از این رو، بی‌گمان فارسی و لارستانی را باید دو زبان دانست. به عنوان نمونه‌ای دیگر، گروه گویشی تاتی جنوبی عبارت‌اند از گویشهای چالی، تاکستانی، اشتهاردی، خیارجی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، دانسفانی، اسفرورینی، و خوزنینی. این گروه گویشی ذیل یک زبان واقع‌اند و آن زبان تاتی است. نظام دستوری تاتی، با نظام دستوری فارسی، و نظام دستوری لارستانی تفاوت‌های اساسی

دارد به طوری که فهم متقابل بین گویشوران آن سه غیرممکن است. بنابراین، فارسی، تاتی، و لارستانی را سه زبان ایرانی نو باید بدانیم. در مقیاسی کوچک‌تر می‌توان از گروهی گویشی متشکل از گویش روستای وفس، گویش روستای چهره‌قان، گویش گورچان، و گویش فَرک سخن گفت که ذیل زبان وفسی (که در منطقه وفس در منتهی‌الیه شمال غربی استان مرکزی به آن گفت‌وگو می‌شود) واقع است. گویشوران وفسی و فارسی فهم متقابل ندارند و از این رو ضرورت دارد از زبان وفسی سخن بگوییم.

از طرفی دیگر، اگر تفاوت‌های میان دو گونه زبانی اساساً فقط در حد تفاوت‌های آوایی و واجی باشد، بر اساس معیارهای جهانی زبان‌شناسی باید آن دو گونه را 'لهجه‌های' یک زبان دانست، مانند فارسی قمی و فارسی تهرانی.

در مقام جمع‌بندی لازم است تصریح کنم که اطلاق اصطلاح "گویش" به مثابه "زبان محلی و قومی" که در آثار برخی از زبان‌شناسان ایرانی دیده می‌شود کاربردی است نادقیق و خلاف تعریف معیار و جهانی "گویش" در برابر اصطلاح dialect. با نگاهی فراگیر می‌توان گفت در زبان‌شناسی امروز، کاربرد بی‌نشان، خنثی، و پیش‌فرض 'گویش' (dialect) در واقع همان 'گویش جغرافیائی' (geographical dialect/geolect) یا 'گویش منطقه‌ای' (regional dialect) است یعنی گونه‌هایی از یک زبان که بین گویشوران آنها فهم متقابل وجود دارد اما با فاصله جغرافیائی از هم واقع‌اند (← مصادیق 'گویشها' که پیش‌تر نام بردیم). اما در کنار گویش جغرافیائی از 'گویش اجتماعی' (social dialect/sociolect)، 'گویش شهری' (urban dialect)، 'گویش فردی' (idiolect)، 'گویش جنسیتی' (genderlect)، و 'گویش نسلی' (generatiolect) نیز می‌توان سخن گفت. در هر مورد، مبنای گوناگونی زبانی عاملی متفاوت است، مانند عامل جغرافیائی، اجتماعی (همچون تحصیلات یا شغل)، فردی، جنسیتی، یا گروه سنی و فاصله نسلی.

در تألیف و انتشار کتاب *رده‌شناسی زبانهای ایرانی* خود را وامدار و سپاسگزار عزیزان بسیاری می‌دانم. بیش از همه، گویشورانی که مرا در دانش زبانی‌شان سهیم

کردند و افقهای تازه‌ای را پیش‌روی من گشودند در این اثر سهم دارند. در پانویسی در ابتدای هر فصل نام و مشخصات آن بزرگواران را آورده‌ام. سهم همسر و فرزندانم در تألیف این کتاب و رای توصیف است. به یاد دارم در سالی که دوره فرصت مطالعاتی خود را در دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) می‌گذراندم، دقایقی پس از تحویل سال و فرارسیدن نوروز با شتاب خود را به همایشی علمی که در دانشگاه برگزار شده بود رساندم. در سالهای متمادی تحقیق و نگارش این کتاب در روزهای تعطیل و ایام مرخصی ساعتهای بی‌شماری را در اتاق کارم می‌گذراندم. هفته‌های زیادی برای ایراد سخنرانی و استفاده از فرصتهای پژوهشی که گروه زبان‌شناسی مؤسسه تحقیقاتی مکس پلانک در اختیارم گذاشته بود در سفر و دور از خانواده بودم. در مراحل مختلف نشر کتاب از لطف و محبت استاد دکتر احمد احمدی رئیس محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، که افتخار آشنائی من با این شخصیت فرهنگی به سی سال پیش بازمی‌گردد، بهره‌مند بوده‌ام. فرزند گرامی ایشان جناب آقای دکتر مهدی احمدی همواره در انتشار کتاب مساعدت نمودند و یکی از کتابهای مورد نیازم را از خارج از کشور تهیه کردند. از این دانش‌آموخته شایسته زبان‌شناسی بسیار سپاسگزارم. همکاران زیادی در سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) در مراحل مختلف آماده‌سازی این کتاب برای چاپ نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. بی‌گمان هیچگاه نام تعدادی از آن عزیزان هیچ‌جا ذکر نخواهد شد اما من از بُن‌جان خود را مدیون کوششهای آنان می‌دانم. از سرکار خانم دکتر سعیده کمائی‌فرد، مدیر محترم اداره تدوین کتب علوم انسانی که همیشه راهگشا بودند و امکانات در اختیارشان را سخاوتمندانه برای پیشبرد امور کتاب به خدمت گرفتند سپاسگزارم. از سرکار خانم نوشین قبدیان، مسئول محترم اداره ویرایش، که نمونه‌خوانی این کار را برعهده گرفتند تشکر می‌کنم. از سرکار خانم مریم جابر، دانش‌آموخته رشته زبان‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبائی و ویراستار ارشد سمت که با دقت، شکیبائی، تعهد، و احساس مسئولیت مثال‌زدنی نهایت توان خود را برای آماده‌سازی و ویرایش نسخه دستنویس این کتاب، که افزون بر ۲۳۰۰

صفحه بود، به کار بستند از صمیم قلب سپاسگزارم. ایشان در جلسه‌های متعدد حضوری و نیز از طریق پیام‌نگار نکته‌ها و پیشنهادهای بسیار ارزشمندی را با من در میان گذاشتند و مرا مدیون خود کردند. سرکار خانم مریم سمیاری حروف‌نگار طراز اولی در سمت هستند که با علاقه، نهایت دقت، و جدیت حروف‌نگاری پرظرافت این کتاب را به انجام رساندند؛ این کتاب به لحاظ حروف‌نگاری پیچیدگیهای زیادی دارد و آوانویسی‌های ناهمگن، تقطیعها، جدولها، و شکلهای متعددی در آن به کار رفته است؛ همواره قدردان محبتهای ایشان خواهم بود.

امیدوارم کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی گامی باشد در جهت بومی کردن علم زبان‌شناسی در ایران. همچنین آرزو می‌کنم این اثر بتواند نشان دهد که مطالعه زبانهای ایرانی در آگاه‌تر کردن جامعه بین‌المللی زبان‌شناسی از اهمیت این زبانها در پرتو افکندن به چیستی زبان و ویژگیهای قوه نطق بسیار سودمند است. شاید زمان آن رسیده باشد که با برخورداری از این گنجینه عظیم زبانی در ایران به سهم شدن در نظریه پردازی بیندیشیم و به ترجمه کردن آراء، اندیشه‌ها، و مفاهیم به زبان فارسی و یا شارح صرف بودن در انتقال مفاهیم علمی نو در زبان‌شناسی بسنده نکنیم.

محمد دبیرمقدم

استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی  
و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

بهمن ۱۳۹۱

## مقدمه\*

برای من مایه افتخار و مسرت است که می‌توانم کتاب ماندگار استاد محمد دبیرمقدم را با عنوان *رده‌شناسی زبانهای ایرانی* به خوانندگان معرفی کنم. این کتاب از چند جنبه در زبان‌شناسی به عنوان نخستین اثر معرفی می‌شود.

اول اینکه، این اثر پس از مدتهای مدید شرح مفصلی از پژوهشهای اخیر در رده‌شناسی زبان را، با به خدمت گرفتن مواد زبانی روشنگر از زبان فارسی و دیگر زبانهای ایرانی ایران و خارج از ایران به خوانندگان فارسی‌زبان، ارائه می‌کند. رده‌شناسی زبان در چند دهه اخیر به منزله رویکردی قوی و مستقل به زبان، با بذل توجه دقیق هم به ویژگیهای جزئی زبانهای خاص و هم به الگوهای کلی‌ای که در بین زبانها دیده می‌شوند، ظاهر شده است. این رویکرد در خصوص همگانیهای زبانی دست به تعمیم می‌زند و در عین حال شرح نظام‌مندی از گوناگونی زبانی به دست می‌دهد. استاد محمد دبیرمقدم متخصص پیشتازی است در سطح جهانی در به کار بستن رده‌شناسی زبان به زبانهای ایرانی، و کتاب او که دیری انتظارش می‌رفت به طور تحسین‌برانگیزی این هدف را برآورده می‌کند.

افزون بر آن، این کتاب تحلیل مفصلی از تعدادی از زبانهای ایرانی از منظری رده‌شناختی، با تمرکز بر پدیده‌هایی که مورد علاقه رده‌شناسی زبان بوده‌اند، به دست می‌دهد، و بدین ترتیب زبانهای ایرانی را در طرح کلی گوناگونی بین‌زبانی قرار می‌دهد. دو پارامتر رده‌شناختی به منظور بحث بین‌زبانی مفصل برگزیده شده‌اند، که عبارت‌اند از ترتیب واژه و گُنائی‌بودگی، که زبانهای ایرانی برای هر دو مورد

---

\* متن اصلی مقدمه برنارد کامری پس از ترجمه آن درج شده است.



مواد زبانی مهمی فراهم می‌کنند که در گذشته غالباً نادیده گرفته شده‌اند. به عنوان نمونه، زبان فارسی از این بابت که در ترتیب خنثای واژه‌ها فعل را در پایان جمله می‌نهد فعل‌پایانی است، اما بر اساس اکثر پارامترهای دیگر، زبان فارسی ارزشهایی را نشان می‌دهد که کاملاً مغایر آنهایی است که در زبانی فعل‌پایانی می‌باید انتظار داشت، مانند داشتن پیش‌اضافه به جای پس‌اضافه و ظاهر شدن مالک بعد از مملوک، نه قبل از آن. زبانهای ایرانی دیگر، گوناگونیهای جالبی را در این موضوع نشان می‌دهند و از این رو داده‌های تعیین‌کننده‌ای برای مباحث مربوط به رده‌شناسی ترتیب واژه به دست می‌دهند. در خصوص کُنائی‌بودگی، زبانهای ایرانی گستره وسیعی از گوناگونی را نشان می‌دهند که دامنه آن از زبانهایی با کُنائی‌بودگی گسترده (یعنی رفتار پذیرا، به جای عامل، در فعل متعدی همانند تنها موضوع یک فعل لازم) تا زبانهایی مانند فارسی را که تقریباً همه نشانه‌های این پدیده را از دست داده‌اند شامل می‌شود. مراحل بینابینی غالباً به لحاظ رده‌شناختی بسیار غیرمعمول‌اند، مانند نظامهایی که در آنها یک نشانه یکسان هم برای عامل و هم برای پذیرا در فعل متعدی به کار برده می‌شود ولی نشانه‌ای متفاوت برای تنها موضوع فعل لازم به خدمت گرفته می‌شود، و این همان الگوئی است که برای بسیاری از توصیفهای کُنائی‌بودگی مسئله‌آفرین است.

کلام آخر اینکه، این کتاب شکاف بین رده‌شناسی زبان، زبانهای ایرانی، و خوانندگان فارسی‌زبان مباحث زبان‌شناختی را برطرف می‌کند. اثری است مهم و بهنگام که انتشارش با استقبال گرم روبه‌رو خواهد شد.

استاد دکتر برنارد کامری

مدیرگروه زبان‌شناسی مؤسسه مکس پلانک

در انسان‌شناسی تکاملی (لایپزیک، آلمان)

و استاد ممتاز دانشگاه کالیفرنیا (سانتا باربارا)

## Preface

It is an honor and a pleasure for me to be able to introduce to the reading public Professor Mohammad Dabir-Moghaddam's monumental volume *The Typology of Iranian Languages*. This volume represents a first in linguistics from a number of perspectives.

First, it provides at long last a detailed account of recent work in linguistic typology to the Persian-speaking public, using illustrative material from Persian and other Iranian languages of Iran and beyond. Linguistic typology has emerged in the last few decades as a robust independent approach to Language, paying careful attention both to the detailed properties of individual languages and also to the general patterns that are observed cross-linguistically; it generalizes with respect to language universals while providing a systematic account of linguistic diversity. Professor Mohammad Dabir-Moghaddam is a leading practitioner internationally of the application of linguistic typology to Iranian languages, and his long-awaited volume admirably serves this purpose.

In addition, the volume provides a detailed analysis of a range of Iranian languages from a typological perspective, concentrating on phenomena that have been of interest to linguistic typology, and thus placing the Iranian languages within the overall schema of cross-linguistic variation. Two typological parameters are chosen for detailed cross-linguistic discussion, namely word order and ergativity, for both of which Iranian languages provide important material that has only too often been neglected in the past. For instance, Persian is verb-final in the sense that in neutral word order the verb occurs at the end of its clause, but in terms of most other parameters Persian shows values diametrically opposed that one would expect in a verb-final language, such as prepositions rather than postpositions and the possessor after rather than before its possessum. Other Iranian languages provide interesting variations on this theme and thus provide crucial input into discussions of word order typology. With regard to

ergativity, Iranian languages show a wide range of variation from languages with widespread ergativity (treatment of the patient, rather than the agent, of a transitive verb like the single argument of an intransitive verb) to languages like Persian that have lost virtually all traces of the phenomenon. Intermediate stages are often typologically highly unusual, such as systems where the same marking is used for both transitive agent and patient but a different marking is used for the single intransitive argument, a pattern that poses problems for many accounts of ergativity.

In sum, this volume bridges the gap between linguistic typology, Iranian languages, and the Persian-speaking linguistic readership. It is an important and timely work whose publication will be warmly welcomed.

**Prof. Dr. Bernard Comrie**  
**Director, Department of Linguistics,**  
**Max Planck Institute for Evolutionary Anthropology**  
**& Distinguished Professor of Linguistics,**  
**University of California Santa Barbara**



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
سی و یک	پیشگفتار
سی و هشت	مقدمه
۱	فصل اول: رده‌شناسی و جایگاه آن در علم زبان
۱	۱-۱ مقدمه
۱	۲-۱ رده‌شناسی زبان
۲	۳-۱ پیشینه مطالعات رده‌شناختی
۲	۱-۳-۱ کلیات
۸	۲-۳-۱ تاریخچه
۸	۱-۲-۳-۱ از آغاز تا شروع قرن بیستم
۱۴	۲-۲-۳-۱ قرن بیستم
۲۹	۳-۳-۱ تبیین در رده‌شناسی
۴۵	۴-۱ گستره موضوعی
۴۸	۵-۱ ساختار کُنائی / ارگتیو
۴۸	۱-۵-۱ تاریخچه چند اصطلاح
۵۳	۲-۵-۱ نظامهای حالت و مطابقه
۵۳	۱-۲-۵-۱ نخستین توصیفها و تحلیلها
۶۰	۲-۲-۵-۱ نظامهای پنجگانه
۷۵	۳-۲-۵-۱ نکات تکمیلی
۸۳	۳-۵-۱ منطری متفاوت
۸۸	۴-۵-۱ تحلیلهای زایشی

صفحه	عنوان
۸۹	۵-۵-۱ کاربردهای غیرمعیار گُنائی
۹۱	۶-۵-۱ چارچوب مورد استناد در کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی
۹۱	۶-۱ خلاصه
۹۳	فصل دوم: زبانهای ایرانی
۹۳	۱-۲ مقدمه
۹۳	۲-۲ تبارشناسی زبانهای ایرانی
۹۷	۳-۲ توصیفهای پیشین از 'ترتیب واژه' در زبان فارسی
۹۷	۱-۳-۲ مطالعات رده‌شناختی
۱۰۱	۲-۳-۲ مطالعات زایشی
۱۰۹	۳-۳-۲ مطالعات آماری
۱۱۷	۴-۲ رده‌شناسی 'ترتیب واژه' در زبان فارسی در چارچوب برگزیده
۱۳۰	۵-۲ رده‌شناسی تاریخی زبان فارسی
۱۳۱	۱-۵-۲ فارسی باستان
۱۳۴	۲-۵-۲ فارسی میانه
۱۴۸	۶-۲ تحولات رده‌شناختی یک زبان ایرانی کهن دیگر
۱۵۳	۷-۲ تحقیقات پیشین در ساختار گُنائی زبانهای ایرانی و منشأ پیدایش آن
۱۵۳	۱-۷-۲ ساختار گُنائی در فارسی میانه
۱۶۵	۲-۷-۲ ساختار گُنائی در زبانهای ایرانی نو
۱۹۷	۳-۷-۲ منشأ پیدایش ساخت گُنائی در زبانهای ایرانی
۱۹۸	۱-۳-۷-۲ نظریه بنونیست
۲۰۲	۲-۳-۷-۲ نظریه کاردونا و شروو
۲۰۷	۳-۳-۷-۲ نظریه هیگ
۲۱۷	۸-۲ روش گردآوری داده‌ها در کتاب رده‌شناسی زبانهای ایرانی
۲۱۹	۹-۲ خلاصه
۲۲۰	فصل سوم: زبان بلوچی
۲۲۰	۱-۳ مقدمه

صفحه	عنوان
۲۲۳	۲-۳ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۲۲۳	۱-۲-۳ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۲۶۲	۲-۲-۳ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۲۶۴	۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی
۲۶۴	۱-۳-۳ مقدمه
۲۶۴	۲-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی ایرانشهری
۲۶۵	۱-۲-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی اربابان
۲۶۵	۱-۲-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک گذشته
۲۷۶	۲-۲-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک حال
۲۷۷	۳-۱-۲-۳-۳ فهرست کامل دو نوع سازوکار مطابقه با فاعل
۲۷۹	۴-۱-۲-۳-۳ الگوهای نظام مطابقه
۲۸۳	۵-۱-۲-۳-۳ جمع‌بندی، تحلیل، و بازسازی
۲۸۶	۲-۲-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی بلوچان
۲۸۶	۱-۲-۲-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک گذشته
۲۹۶	۲-۲-۲-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک حال
۲۹۹	۳-۲-۲-۳-۳ فهرست کامل دو نوع سازوکار مطابقه با فاعل
۳۰۳	۳-۳-۳ یافته‌ها و پیامدها
۳۰۳	۴-۳-۳ نظام مطابقه در دیگر گویشهای بلوچی
۳۰۴	۱-۴-۳-۳ نظام مطابقه در لاشاری، سراوانی، زاهدانی، و خاشی
۳۱۶	۲-۴-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی زابلی/سیستانی
۳۱۸	۳-۴-۳-۳ نظام مطابقه در بلوچی ترکمنستان
۳۲۶	فصل چهارم: زبان دوانی
۳۲۶	۱-۴ مقدمه

صفحه	عنوان
۳۲۶	۲-۴ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۳۲۶	۱-۲-۴ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۳۴۳	۲-۲-۴ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۳۴۵	۳-۴ نظام مطابقه در دوانی
۳۴۵	۱-۳-۴ مقدمه
۳۴۵	۲-۳-۴ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک ...
۳۵۸	۳-۳-۴ چند نکته تکمیلی
	۴-۳-۴ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۳۶۷	با ستاک حال
۳۷۲	۵-۳-۴ سازوکارهای مطابقه با مفعول
۳۷۷	۶-۳-۴ آزمودن سازوکارهای مطابقه در یک خرده‌گفتمان
۳۷۸	۷-۳-۴ الگوهای نظام مطابقه
۳۸۳	فصل پنجم: زبان لارستانی
۳۸۳	۱-۵ مقدمه
۳۸۴	۲-۵ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۳۸۴	۱-۲-۵ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۴۰۱	۲-۲-۵ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۴۰۳	۳-۵ نظام مطابقه در لارستانی
۴۰۳	۱-۳-۵ مقدمه
	۲-۳-۵ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک
۴۰۳	گذشته در گویش لاری
	۳-۳-۵ سازوکار مطابقه با مفعول در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک
۴۱۴	گذشته در گویش لاری
۴۱۵	۴-۳-۵ چند نکته تکمیلی
	۵-۳-۵ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۴۲۱	با ستاک حال در گویش لاری



صفحه	عنوان
	۶-۳-۵ سازوکار مطابقه با مفعول در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک
۴۲۵	حال در گویش لاری
۴۲۸	۷-۳-۵ الگوهای نظام مطابقه
۴۳۱	۸-۳-۵ تحلیل یک متن لاری معاصر
۴۳۳	۹-۳-۵ تحلیل یک متن قدیمی لاری
	۱۰-۳-۵ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک
۴۵۵	گذشته در گویش خُنْجی
۴۶۱	۱۱-۳-۵ چند نکته تکمیلی
	۱۲-۳-۵ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۴۶۴	با ستاک حال در گویش خُنْجی
۴۶۶	۱۳-۳-۵ سازوکارهای مطابقه با مفعول در فعلهای متعدی در گویش ...
۴۷۰	فصل ششم: زبان تالشی/طالشی
۴۷۰	۱-۶ مقدمه
۴۷۰	۲-۶ رده شناسی ترتیب واژه ها
۴۷۱	۱-۲-۶ مؤلفه های رده شناختی ترتیب واژه ها
۴۹۵	۲-۲-۶ توصیف وضعیت رده شناختی بر اساس مؤلفه های ترتیب واژه ها
۴۹۷	۳-۶ نظام مطابقه در تالشی
۴۹۷	۱-۳-۶ مقدمه
۴۹۸	۲-۳-۶ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک ...
۵۰۲	۳-۳-۶ گوناگونی در کاربرد پی بستهای مطابقه فاعلی
	۴-۳-۶ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۵۱۱	با ستاک حال
۵۲۰	۵-۳-۶ الگوهای نظام مطابقه
۵۲۱	۴-۶ الگوهای نظام حالت
۵۲۷	۵-۶ نظام مطابقه و نظام حالت
۵۲۷	۶-۶ گویشی دیگر از تالشی شمالی

صفحه	عنوان
۵۲۸	۱-۶-۶ نظام مطابقه
۵۳۷	۲-۶-۶ نظام حالت
۵۳۸	۳-۶-۶ آمیختگی در نظام حالت و مطابقه
۵۴۱	فصل هفتم: زبان وفسی
۵۴۱	۱-۷ مقدمه
۵۴۳	۲-۷ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۵۴۴	۱-۲-۷ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۵۶۰	۲-۲-۷ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۵۶۲	۳-۷ نظام مطابقه در وفسی
۵۶۲	۱-۳-۷ مقدمه
۵۶۳	۲-۲-۷ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک ...
	۳-۳-۷ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۵۷۰	با ستاک حال
۵۷۷	۴-۳-۷ الگوهای نظام مطابقه
۵۸۳	۴-۷ نظام حالت
۵۸۸	۵-۷ چند نکته تکمیلی
۵۹۳	۶-۷ تحلیل یک قصه
۵۹۸	فصل هشتم: زبان کردی
۵۹۸	۱-۸ مقدمه
۶۰۲	۲-۸ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۶۰۲	۱-۲-۸ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در گویشهای بانه‌ای و ...
	۲-۲-۸ توصیف وضعیت رده‌شناختی کردی بانه و سنج بر اساس
۶۴۷	مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۶۴۹	۳-۲-۸ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در کلهری و کرماشانی
	۴-۲-۸ توصیف وضعیت رده‌شناختی کردی کلهری و کرماشانی بر اساس
۶۹۲	مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها

صفحه	عنوان
۶۹۴	۳-۸ نظام مطابقه در کردی
۶۹۴	۱-۳-۸ مقدمه
۶۹۵	۲-۳-۸ نظام مطابقه در کردی بانه و کردی سنندج
۶۹۵	۱-۲-۳-۸ نظام مطابقه در کردی بانه
	۱-۱-۲-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک
۶۹۵	گذشته
	۲-۱-۲-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی
۷۰۲	ساخته شده با ستاک حال
۷۰۴	۳-۱-۲-۳-۸ الگوهای نظام مطابقه در کردی بانه
۷۰۹	۲-۲-۳-۸ نظام مطابقه در کردی سنندج
	۱-۲-۲-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ستاک
۷۱۰	گذشته
	۲-۲-۲-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی
۷۱۶	ساخته شده با ستاک حال
۷۱۸	۳-۲-۲-۳-۸ الگوهای نظام مطابقه در کردی سنندج
۷۲۴	۳-۳-۸ نظام مطابقه در کردی کلهری و کردی کرمانشانی
۷۲۵	۱-۳-۳-۸ نظام مطابقه در کردی کلهری
۷۲۵	۱-۱-۳-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در کلهری
۷۲۷	۲-۱-۳-۳-۸ سازوکار مطابقه با مفعول در کلهری
۷۳۱	۳-۱-۳-۳-۸ الگوی نظام مطابقه در کلهری
۷۳۲	۲-۳-۳-۸ نظام مطابقه در کردی کرمانشانی
۷۳۲	۱-۲-۳-۳-۸ سازوکار مطابقه با فاعل در کرمانشانی
۷۳۳	۲-۲-۳-۳-۸ سازوکار مطابقه با مفعول در کرمانشانی
۷۳۶	۳-۲-۳-۳-۸ الگوی نظام مطابقه در کرمانشانی
۷۳۷	۴-۸ نظام مطابقه و نظام حالت در کردی
۷۳۹	۵-۸ گونه های دیگر کردی
۷۳۹	۱-۵-۸ کردی مهاباد

صفحه	عنوان
۷۵۲	۸-۵-۲ کردی ایلامی
۷۵۴	۸-۵-۳ کردی سلیمانیه
۷۵۴	۸-۵-۱-۳ مکاروس (۲۰۰۹)
۷۶۴	۸-۵-۲-۳ مکاروس (۱۹۵۸)
۷۶۵	۸-۵-۳-۳ مکنزی (۱۹۶۱a)
۷۶۷	۸-۵-۴-۳ هیگ (۲۰۰۸)
۷۷۰	۸-۵-۵-۳ تحلیل و تبیین این نگارنده
۷۸۰	۸-۵-۶-۳ کردی سلیمانیه در مقایسه با کردی سنندج و کردی کلهری
۷۸۴	۸-۵-۴-۳ کردی گرمانجی
۷۸۹	۸-۵-۵-۳ پیامدهای نظری
۷۹۴	فصل نهم: زبان اورامی
۷۹۴	۹-۱ مقدمه
۷۹۵	۹-۲ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۷۹۵	۹-۲-۱ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۸۳۰	۹-۲-۲ توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها
۸۳۰	۹-۳ نظام مطابقه در اورامی
۸۳۰	۹-۳-۱ مقدمه
۸۳۲	۹-۳-۲ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ستاک ...
	۹-۳-۳ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۸۴۱	با ستاک حال
۸۴۷	۹-۳-۴ الگوهای نظام مطابقه
۸۵۱	۹-۴ نظام حالت
۸۵۲	۹-۵ مکنزی (۱۹۶۶)
۸۶۲	فصل دهم: زبان لکی
۸۶۲	۱۰-۱ مقدمه

صفحه	عنوان
۸۶۳	۲-۱۰ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۸۶۳	۱-۲-۱۰ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها
۸۹۰	۲-۲-۱۰ توصیف وضعیت رده‌شناختی لکی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب ...
۸۹۲	۳-۱۰ نظام مطابقه در لکی
۸۹۲	۱-۳-۱۰ مقدمه
۸۹۲	۲-۳-۱۰ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده با ...
	۳-۳-۱۰ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۸۹۷	با ستاک حال
۹۰۰	۴-۳-۱۰ الگوهای نظام مطابقه در لکی
۹۰۸	فصل یازدهم: زبان دلواری
۹۰۸	۱-۱۱ مقدمه
۹۰۸	۲-۱۱ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۹۰۹	۱-۲-۱۱ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در دلواری
۹۳۵	۲-۲-۱۱ توصیف وضعیت رده‌شناختی دلواری بر اساس مؤلفه‌های ...
۹۳۷	۳-۱۱ نظام مطابقه در دلواری
۹۳۷	۱-۳-۱۱ مقدمه
۹۳۷	۲-۳-۱۱ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته‌شده از ...
	۳-۳-۱۱ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته‌شده
۹۴۹	با ستاک حال
۹۵۳	۴-۳-۱۱ الگوهای نظام مطابقه در دلواری
۹۶۳	فصل دوازدهم: زبان نائینی
۹۶۳	۱-۱۲ مقدمه
۹۶۳	۲-۱۲ رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها
۹۶۴	۱-۲-۱۲ مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در نائینی
۱۰۰۰	۲-۲-۱۲ توصیف وضعیت رده‌شناختی نائینی بر اساس مؤلفه‌های ...

صفحه	عنوان
۱۰۰۲	۳-۱۲ نظام مطابقه در نائینی
۱۰۰۲	۱-۳-۱۲ مقدمه
۱۰۰۲	۲-۳-۱۲ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ...
	۳-۳-۱۲ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۱۰۱۶	با ستاک حال
۱۰۲۱	۴-۳-۱۲ الگوهای نظام مطابقه در نائینی
۱۰۳۴	فصل سیزدهم: زبان شه میرزادی
۱۰۳۴	۱-۱۳ مقدمه
۱۰۳۴	۲-۱۳ رده شناسی ترتیب واژه ها
۱۰۳۵	۱-۲-۱۳ مؤلفه های رده شناختی ترتیب واژه ها در شه میرزادی
	۲-۲-۱۳ توصیف وضعیت رده شناختی شه میرزادی بر اساس مؤلفه های
۱۰۶۹	ترتیب واژه ها
۱۰۷۲	۳-۱۳ نظام مطابقه در شه میرزادی
۱۰۷۲	۱-۳-۱۳ سازوکار مطابقه با فاعل
۱۰۸۲	۲-۳-۱۳ الگوهای نظام مطابقه
۱۰۸۶	۳-۳-۱۳ نظام مطابقه و نظام حالت نمائی
۱۰۹۱	فصل چهاردهم: زبان تاتی
۱۰۹۱	۱-۱۴ مقدمه
۱۰۹۳	۲-۱۴ رده شناسی ترتیب واژه ها
۱۰۹۳	۱-۲-۱۴ مؤلفه های رده شناختی ترتیب واژه ها در تاتی
	۲-۲-۱۴ توصیف وضعیت رده شناختی تاتی (گوش چال) بر اساس مؤلفه های
۱۱۳۲	ترتیب واژه ها
۱۱۳۵	۳-۱۴ نظام مطابقه در تاتی
۱۱۳۵	۱-۳-۱۴ مقدمه
۱۱۳۵	۲-۳-۱۴ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای متعدی ساخته شده با ...

صفحه	عنوان
	۳-۳-۱۴ سازوکار مطابقه با فاعل در فعلهای لازم و فعلهای متعدی ساخته شده
۱۱۴۴	با ستاک حال
۱۱۴۸	۴-۳-۱۴ الگوهای نظام مطابقه در تاتی (چال)
۱۱۵۸	۵-۳-۱۴ نظام مطابقه و نظام حالت نمائی
۱۱۷۹	۶-۳-۱۴ کتاب دستور گویشهای تاتی جنوبی
۱۱۹۳	فصل پانزدهم: یافته ها و پیامدها
۱۱۹۳	۱-۱۵ مقدمه
۱۱۹۴	۲-۱۵ رده شناسی ترتیب واژه در زبانهای ایرانی نو
۱۱۹۴	۱-۲-۱۵ وضعیت کلی زبانهای ایرانی نو
۱۲۰۰	۲-۲-۱۵ مؤلفه های رده شناختی مشترک و غیر مشترک در زبانهای ایرانی ...
۱۲۰۲	۳-۱۵ تحلیل یافته ها در گستره مباحث نظری
۱۲۰۳	۱-۳-۱۵ پیامد یافته ها برای زبان شناسی زایشی
۱۲۱۰	۲-۳-۱۵ پیامد یافته ها برای رده شناسی زبان
۱۲۱۰	۱-۲-۳-۱۵ عوامل تغییر در ترتیب واژه ها/سازه ها
۱۲۱۹	۲-۲-۳-۱۵ تأثیر گذاری فارسی بر سایر زبانهای ایرانی
۱۲۲۲	۴-۱۵ رده شناسی نظام مطابقه در زبانهای ایرانی نو
۱۲۳۱	۵-۱۵ نکاتی درباره منشأ پیدایش ساخت گُنائی در زبانهای ایرانی
۱۲۳۳	منابع
۱۲۵۲	نمایه زبانها
۱۲۵۵	واژه نامه انگلیسی - فارسی
۱۲۶۲	واژه نامه فارسی - انگلیسی